خبر

۱۲ بنا تاریخی در ۶ ماه اول سال به بهره برداری می رسد

معـاون اقتصادی و سرمایه گـذاری صندوق احیـاء و بهره برداری از بناها و اماکن تاریخی و فرهنگی گفـت: در ۶ ماه اول امسال، ۱۲ بنا تاریخی به چرخه بهره برداری کشور اضافه می شود. به گزارش مهر، علی کاظمی اظهار کرد: صندوق احیاء و بهره برداری از بناهای تاریخی و فرهنگی کشـور با هدف جـذب سرمایه گذاران بخش خصوصـی داخلی و خارجی در جهت احیـاء بناهای تاریخی کشـور راه اندازی شده و حدود ۱۰ سال از فعالیت آن می گذرد. کاظمی افزود: تاکنون ۶۶ بنای تاریخی در سطح کشور در ۲۶ استان با سرمایه گذاری معادل ۱۲۰ میلیارد تومان به بخش خصوصی واگذار شده است که در حال حاضر ۲۰ مورد از ایـن بناها فعـال و به بهره بـرداری رسیده اسـت. وی ادامـه داد: در ۶ ماه اول امسال، ۱۲ بنا به چرخه بهره برداری اضافه خواهد شد که کاربری های فرهنگی، اقامتی و پذیرایی برای آن ها تعریف شده است. کاظمی گفت: برنامه ما تشویق سرمایه گذاری بخش خصوصی بوده و انتظار داریم تا سایر دستگاه ها مانند میراث فرهنگی و شهرداری ها هم کمک کنند تا بتوانیم آن دستـه از بناهایی که نفیس نیستند را احیاء کنیم. معاون اقتصادی و سرمایه گذاری صندوق احیاء و بهره برداری از بناها و اماکن تاریخی و فرهنگی تصریح کرد: معتقد هستیم در این حوزه اهداف اقتصاد مقاومتی، حمایت از کالای ایرانی و اشتغال پایدار محقق خواهد شد و از طرفی با احیـاء و مرمت و بهره برداری از این بناها می توانیم فرهنگ خود را به گردشگران خارجی معرفی کنیم. کاظمی افـزود: در گلستان خانه تاریخـی باقری را به بخش خصوصی واگذار کردیـم و مطالعات تعداد دیگـری از بناهای تاریخی گلستان رو به پایان است تا بتوانیم از طریق مزایـده، سرمایه گذاران ذی صلاحی را جذب کنیم زیرا معتقد هستیم سرمایه گذاران این بخش باید صاحب دانش باشند تا بتوانیم به رونق گردشگری گلستان و احیاء بافت تاریخی گرگان به عنوان یک بافت زنده در کشور کمک کنیم. وی گفت: البته مطالعات واگذاری خانه تاریخی میرشهیـدی در گرگان و کاخ خوش ییلاق آزادشهر در حال انجام است. کاظمی تأکید کرد: اگر طرح سرمایه گذار، برای تحویل این بناها توجیه اقتصادی داشته باشد از تسهیلات حوزه گردشگری هم برخوردار می شود.

جلسه هماهنگی اجرای طرح تونل سبز در گرگان برگزار شد

جلسـه ای به ریاست سرپرسـت فرمانداری شهرستان گرگان و با حضور معاون برنامه ریزی و امور عمرانی فرمانداری، بخشـدار مرکزی گرگان، مدیر اداره حمـل و نقل و پایانه های شهرستان، مدیر بنیاد مسکن انقلاب اسلامی شهرسـتان، معـاون فرودگاه گرگـان و مدیر سیمامنظر شهرداری با هدف اجرای طرح تونل سبز در مرکز استان برگزار شد. صفوی با بیان اینکه همه مدیران ایـن اهتمام را داشته باشند تا ورودی شهر را که در نگاه میهمانان نشـانه فرهنگ و سوابق مدیران شهری است با زیبایی سازی مسیر بیان نماییم. وی افزود: با اجرای این طرح به طول ۷ کیلومتر در دوطرف جاده گرگان به سمت روستای امیرآباد، محمدآباد و فرودگاه، با همکاری شهرداری، بخشـداری و دهیاری نهال کاری خواهد شد و بنیاد مسکن با اجرای معماری سنتی دو جـداره روستای محمدآباد به زیباسازی کمک خواهد کرد. صفوی اظهار داشت: در این طرح همچنیـن اداره راهداری و حمل ونقل جاده ای شهرسـتان آزادسازی و آسفالت کنارگذر جـاده را عهده دار خواهد بود. وی گفت: شهرداری گرگان با خرید نهال و آبیاری مستمر و بخشداری با نصب پلاک با همکاری دهیاران در نگهداری کامل آنها تلاش خواهند نمود این امربه یـاری خدا به زودی محقق‌میگردد.

عقاب صحرایی و بوتیمار زخمی در گلستان تیمارداری شدند

رییس محیط زیست شهرستانهای بندرترکمن و گمیشـان گفت: دو تن ازعلاقـه مندان به حیات وحش یک بهله عقاب صحرایی و یک قطعه بوتیمـار را جهت مداوا و تیمارداری به ایـن اداره تحویل دادند. علی بیانی در گفتگو با ایرنا اظهـار کرد: این پرنده ها پس از ثبت داده هـای مورفولوژیکی (بیومتری)، جهت درمان و سیر بهبودی کامل به اداره کل محیط زیست گلستان منتقل می شوند. وی ادامه داد: با توجه به اطلاع رسانی صورت گرفته ازسوی رسانه ها در سالهای اخیر مردم نسبت به مقوله محیط زیست وحفظ حیات وحش حساس تر شده و افراد زیادی به مداوا و نجات پرندگان مصدوم و تحویل آن به محیط زیست اقدام می کنند. به گفته وی؛ محیط زیست نیز با اهدای پوسترهـای منقش به تصاویر حیات وحش، لوح و هدایایی از دوستداران حیات وحش قدردانی می کند.

برداشت‌های غیر مجاز بلای جان منابع آبی گلستان

بـه رغم بحرانی بودن وضعیـت آب، اما بی برنامگی در برخورد با تخلفات این حوزه، باعث تشـدید بحران کم آبـی در گلستان شده است. به گـزارش مهر، منابع آبی گلستان شاید به اندازه استان های کویری بحرانی نباشد، امـا کاهش سالیانه میزان بارش هـا، برداشت غیر مجاز، نبود نظارت دستگاه ها بر تخلفات حوزه آب، سنتی بودن سیستم کشـاورزی و هدر رفت آب در برخی مشـاغل دارای جایگزین از دلایلی است که بر نگرانی این بحران افزوده است. شورای حفاظت از منابع آبی استان گلستان پیشتر از کاهش چشمگیر تراز آب سفره های کم عمق و سفره های عمیق خبر داد. اسفندماه سال گذشته هم محسن حسینی، معاون حفاظت آب منطقه ای گلستان اعلام کرده بود که آورد آب رودخانه های استان نسبت به سال های گذشته بین ۵۵ تا ۷۸ درصد کاهش داشته است.

وجود ۱۵ هزار حلقه چاه غیر مجاز در گلستان

مدیرعامل شرکت آب منطقه ای گلستان با بیان اینکه ۱۳ درصد منابع آبی از چاه های غیر مجاز استحصال می‌شود، گفت: برابر آمار ۱۶۰ میلیون متر مکعب از چاه های غیر مجاز گلستان آب برداشت می‌شـود. علی نظری افزود: گلستان ۲۰ هزار حلقه چاه مجـاز و ۱۵ هزار حلقه چاه غیر مجاز دارد که از چاه های مجاز استان یک میلیارد و ۲۰ میلیون متر مکعـب آب برداشت می‌شود. وی افزود: وضعیت رواناب رودخانه های استان هم از ابتدای مهر ماه لغایت پایان بهمن سال گذشته کاهش ۴۰ تا ۸۰ درصدی نسبت به دوره مشابه دراز مدت داشته و با توجه به تغییر اقلیم و خشکسالی هایی که صورت گرفته رودخانه های استان در حال تبدیل شدن به رودخانه های فصلی است. نظری در رابطه با پتانسیل منابع آب استان اظهار کرد: رقم کل آب تجدید پذیر گلستان دو میلیارد و ۴۸۵ میلیون متر مکعب است که یک میلیارد و ۲۵۰ میلیون متر مکعب آن آب زیرزمینی و یک میلیارد و ۲۳۵ میلیون مترمکعب آن آب سطحی است. مدیر عامل آب منطقه ای گلستان با بیان اینکه سـال گذشته ۷۲ درصد از آب های سطحی استان مهار شده است، گفـت: در رابطه با منابع آب زیرزمینی وضعیت خوبـی نداریم و بـالای ۹۷ درصد این آب ها برداشت شـود که زنگ خطری جدی برای استان است. وی ادامـه داد: هـر چه جلوتر می‌رویم سفـره های آب زیرزمینی پایین تر رفته و در نتیجه می بینیم که هر ساله مردم تقاضای کف شکنی یا جابجایی چاه دارند. وی اضافه کرد: رسیدن به آب شور و تلخ هم نتیجه اضافه برداشت از چاه ها است و چنانچه مدیریت نکنیم به سرنوشت سایر استان ها دچار می شویم. نظری گفت: اگر به همین روال این مایع حیاتی را مصرف کنیم برای افق ۱۴۲۵ حدود سه برابر نیاز فعلی آب نیاز داریم و بدیهی است که با مهار همه آب های سطحی هم نمی‌توانیم این نیاز را پاسخ دهیم.

۷۰ درصد فاضلاب‌ها امکان بازچرخانی دارند

مدیر عامـل آب منطقـه ای گلستان یـاد آور شد: باید رفتارهـای خود را تغییر دهیم و آب هـای نامتعارف را برای خروج از کم آبی بازچرخانی کنیم. وی تصریح کرد: حداقل ۷۰ درصد این آب ها در طرح های فاضلابی که در برخی شهرهای استان اجرا شده برای مصارف صنعتی و کشاورزی قابل برگشـت است. نظری گفت: شیرین کردن آب دریا هم از دیگر طرح هایی است که می‌تواند جزو برنامه ها باشد؛ البته همه این اقدامات هنگامی جواب مـی دهد که مردم پای کار باشند .وی در رابطه با نظارت بازرسـان بر برداشت های آبی و برخورد با متخلفان چاه های غیر مجاز گفت: با توجه به اینکه در فصل کشـت مزارع قرار داریم، بازرسان این سازمان به تمامی چاه های مزارع سرکشی می‌کنند و چنانچه از چاه های مجوز دار بیـش از حد تعیین شده آب برداشت شود، صاحب چاه جریمه خواهد شد.

۵ حلقه چاه غیر مجاز در آستانه پلمب

نظری ادامه داد: بر اساس احکام گرفته شده از دادگاه های استان هم حدود پنج حلقه چاه غیر مجاز در آستانه پلمب قرا دارند و بر اساس قانون فرم یک، در نظر داریم تمامی چاه های استان را تعیین تکلیف کرده و چاه هایی را که در محدوده منطقه ممنوعه نباشند و در سامانه دریافت پروانه ثبـت نام شده باشند را مجـوز دار کنیم. مدیر عامل آب منطقه ای گلستان، از تخصیص ۱۰۰ در صدی اعتبار پروژه های آبرسانی که در شورای عالی آب هم مطرح شده بود خبر داد و گفت: تخصیص اعتبار برای استفاده از چاه های کشاورزی برای جبران کمبود آب شرب جهت خرید و یا پرداخت خسارت، شناسایی چاه های نزدیک چاه های آب شرب (کشـاورزی، صنعت) که ما بتوانیم در مواقع ضرور برای آب شرب استفـاده کنیم، پرکردن چاه های غیر مجاز نزدیک به تاسیسات آب شرب، اطلاع رسانی و آمـوزش همگانی و در سطوح مختلف برای مصارف کشـاورزی از جمله برنامه هـا و اقداماتی است که برای مدیریت بهتر منابع آبی باید صورت گیرد.

ارسال ۷۴ پرونده انشعاب غیر مجاز به دادگاه

آب و فاضلاب روستایی هم از دیگر دستگاه های اجرائی حوزه منابع آبی استان است که از تخلفات این حوزه در روستاهای استان بی بهره نبوده است. به گفته معاون امور مشـترکان و درآمـد اداره کل آب و فاضـلاب روستایی گلستان برخی ساخت و سازهای غیر مجاز موجب شده تا انشعاب گیری غیر قانونی در این سازه ها گسترش یابد. اردشیر سلطانیان با بیان اینکه سال گذشته ۴۳۴ انشعاب غیر مجاز در روستاها شناسایی شده است، گفت: از این تعداد انشعاب غیرمجاز تعداد ۷۴ پرونده به دادگاه ارسال شده است، ۵۸ گیرنده انشعاب غیر مجاز با شرط قبولی پرداخت جریمه ها به محاکم قضائی معرفی نشـدند و مابقـی هم در حال پیگیری است. وی افزود: با توجه به اینکه اعطـاء پروانه پایان کار به ساخت و سازهای غیر مجاز امکان پذیر نیست، لذا صاحبان این سازه ها اقدام به انشعاب گیری های متعدد غیر مجاز می‌کنند که این مساله علاوه بر تضییع حقوق دیگر اهالی روستا موجب کاهش آب های زیر زمینی بدون پرداخت کردن هزینه آب بهـا می‌شود. برای بررسی بیشـتر این تخلفات در حوزه آب و فاضلاب شهری با معاون امور مشترکان و درآمد این اداره کل ارتباط گرفتیم که پیگیری های متعدد خبرنگار مهر پس از گذشته دو هفته راه به جائی نبرد و این معاونت پاسخی به تماس ها و پیامک ها نداد.

قانونی که اجرائی شدنش متولی ندارد

براسـاس ماده ۳ قانون توزیـع عادلانه آب، هرگونه بهره برداری از آب های زیرزمینی، قنات سطحی و چشمه ها نیازمنـد مجوز است که ماده ۴۵ قانون توزیع عادلانه آب برای بهره برداری غیرمجاز، جریمه و مجازات مشخص کرده است. یک کارشناس منابع آبی با بیان اینکه با وجود چنین قانونی همچنان برداشت های غیر مجاز از منابع آبی انجام می گیرد، گفـت: این قانون از سوی برخی دستگاه هـای متولی یا اجرا نمی‌شود و یـا در اجرای آن تعلل می‌کننـد. مهرداد متقی افزود: براسـاس اصل ۱۷۴ قانون اساسی، حق نظارت بر اجرای صحیح قانون دستگاه های اداری برعهـده سازمان بازرسـی است، حال آنکه فقدان نظارت در اجرای قانون باعث شده که کشـاورز نسبت بـه برداشت و حفر غیر مجاز چـاه راغب‌تر شود. وی با اشاره به مساله ساخت‌وسازهای غیر مجاز در برخی نواحی ییلاقی استان گفت: با توجه به اینکه در بسیاری از روستاها کشـاورزی محور اشتغال است، ویلا سازی ها موجب شده تا حجم زیادی از آب های زیر زمینی و چشـمه ها بـه واسطه این افراد مصرف شود که این مساله طی چند سال اخیر ضربه بزرگی به منابع آبی استان زده است. این کارشناس افزود: یکی از راهکارهای مناسب برای کنترل استفاده از منابع آبی زیرزمینی، نصب کنتورهای هوشمند و مجوزهـای ضروری برای احداث چاه ها در ویلا ها و مزارع کشاورزی است، به‌نحوی‌که میزان مصرف آب های زیرزمینی توسط مالکان سهمیه بندی شود تا آن‌ها خارج از سهمیه تعیین شده، از آب های زیرزمینی برداشت نکنند. متقی گفت: در حال حاضر برای بسیاری از چاه های غیرمجـاز واقع در مزارع کشـاورزی کنتور هوشمند نصـب نشـده و رویه غلط برداشت هـای غیر مجاز همچنـان ادامه داد. به گفتـه وی امکانات و اعتبارات دولتی لازم جهت برخورد با متخلفان در حوزه منابع آبی کم است و این امر باعث گسترش تخلفات شده که نیازمنـد همکاری بخشـداری‌ها و سایـر نهادها هستیم. وضعیت آبی استان در حالی به مرز هشـدار رسیده است که چند ماه پیش هم معاون امور عمرانی استانداری گلستان از مصرف ۸۷ درصد آب در بخش کشاورزی خبر داد و گفت: فقط سه درصد آب های استان در حـوزه صنعت، ۱۰ درصد در حوزه شرب و مصارف خانگی مصرف می‌شود. میرمحمد غراوی عنـوان کرده بود که شـورای حفاظت منابع آب طبق دستورالعمل هئیت وزیران هر یک ماه یکبار باید تشکیل جلسه بدهد و همه دستگاه ها بر اساس تصویب نامه هیئت دولت و مصوبات شورای عالی آب، مسئولیت دارند در این جلسات حضور داشته باشند. وی تاکید کرده بود که مصوبات ملی شورای عالی آب کشور باید در استان دنبال و سریع‌تر اجرایی شود.

یادداشت

تاکسیرانی در بن بست

روزانه دهها تاکسی و ماشین شخصی بار حمل و نقـل شهری گرگان را بدوش می کشـند در این میان همواره رانندگان تاکسی خواسته اند تا مسوولان گوشه چشمی به مشکلات آنها داشته باشند اما به هر دلیل در کنار مشکلات روز مره حضور سواری های بدون مجوز همواره مورد اعتراض آنها بـوده است ، در آخرین نامه چند صد تن از تاکسی رانان در نامه ای به این شرایط اعتراض کردنـد در ادامه یادداشت علی اصغر نفیسی یکی از این رانندگان راکه برای گلشن مهر نوشته شده را می خوانیم .

تأملی کوتاه بر پدیده ی «ناهنجاری های اجتماعی « ما را به این نتیجه می رساند که منشأ پیدایش بخـش قابل توجهی از آنها ، ریشـه در « نبود نظارت جدی و مؤثـر « در حوزه مربوطه دارد .ناهنجاری های اجتماعی اغلب به دلیل دارا بودن دو ویژگی "مقاومت " و " قدرت سازگاری بالا "، ظرفیت شگفت انگیزی برای ماندگاری دارند تا جایی که گاه فرم سازمان یافته ای به خود گرفته و جامعـه و حتی مسئولین را وا می دارند تا آنها را به «رسمیت» بشناسند، بدینگونه است که رفته رفته وقاحت وسنگینی حضور هزینه بردارشان نیز از نظر دور می ماند.

پدیده ی «مسافربرهای شخصی « در حوزه حمل و نقل درون شهری، نمونه آشکاری از این دست می باشد که خود محصول نبود نظارت، کنترل و برخورد شایسته مسئولین و مدیران مربوطه می باشد.بیـراه نیست اگر گفته شود وضع حمل و نقل درون شهری گرگان ، آشفته ترین و تاسف بارترین شرایط را در بین شهرهای کشـور و یا دست کم شمال کشـور داراست.گسیل شدن روزانه ی انبوه مسافربرهای شخصی از شهرهای اطراف و حتی خارج از استان به سمت خیابان های محدود گرگـان ، این شهررا به گونه ای نمایان ، شاخص کرده وتوجه و تعجب همگان را برانگیخته است!وجود چنین لجام گسیختگی بی مرز و بلبشویی نه تنها چهره شهررا به زشتی آشکاری کشانده،است،بلکه موجب شده خیابان های شهر به جهنمی سوزان برای رانندگان تاکسی بـدل شود ، جهنمی که روزانه در آن غوطه می خورنـد و به فجیع ترین طرز ممکن در چنین برزخ نفس گیری روزشان را به شب می رسانند. سالهاست که رانندگان خون دل می خورند و با عوارض مهلک جسم و اعصاب و روان شغل شان‌می‌فرسایند

ودرحالی که اشکال متعدد محرومیت و تنگناهای معیشتی ناشی از بی تفاوتی و بی اعتنایی مسئولین ،زندگی آنان و خانواده هایشان را به مرز مخاطره جدی کشانده است ، نجیبانه سکوت می کنند !از اقسام گوناگون گرفتاری های ناشی از انبوهی حضور مسافربرهای شخصی هیچ نمی گویندو« نجابت« را رعایت می کنند و جانب« آئین درویشی « را نیز، که ؛« گفتگو آئین درویشی نبود «!

در برابر، کمترین انتظـار از مسئولین مربوطه ، رعایت « آئین شهریاری « بود و تعهد واحساس مسئولیت آنان در برابر سرنوشت و رنج رانندگان مستاصل تاکسی شهر!

اما هزاردریغ ؛
« درد هـای" به هزارزبان گفته شده را ناشنیده می انگارند،
می بینند و نادیده می انگارند،
نوشته ها را ناخوانده!
و « مرهم بدست ما را ، مجروح می گذارند»

باید یـاد آورشویم ، عناوین نخ نمـا شده ی « رعایت مصالح « و یـا « حفظ شأن مدیریت « !! ، با هر توجیهـی ، دست کم در حوزه حمل ونقل ، توهمی بی مصرف و مخدر گونه است، نقض غرضی که در درجه نخست اعتبار و منزلت آنان را نشـانه می رود و دستاوردی جز انباشت هرچه بیشتر گرفتاری و محرومیت برای بخش فراگیری از جامعه، یعنی رانندگان تاکسی نداشته و هرلحظه بر دامنه ی زشتی آن می افزاید!اما توجه مدیران و تصمیم سازان محترم را به طرح چند پرسش جلب می کنیم!

الف) رابطه ی چنین آشفته بـازاری در حوزه حمل و نقل شهر و با این حجم سنگین هزینه و خسارت ، با مفاهیم « فرهنگ « ، « اخلاق « ، « امنیت روانی جامعه "و «شأن و جایگاه مدیریتی شهر» چیست؟!

ب) اساساً آیا متولیان و مدیران مربوطه خود را متکفل امر « اشتغال « سایر شهرها وحتی خارج از استان هم می دانند که بی هیچ نظارت وکنترلی، اینگونه خیابان های شهر بستر امنی برای جولان مسافربرهای شخصی غیر بومی نیز شده است؟!

پ) و بالاخـره برای مدیران محترم آستانه ی « بی تفاوتی "نسبت به چنین وضع اسف باری و تماشاگر صرف بودن، تاکجاست؟ آیاهنوزهم باید منتظر حـوادث ناگواری باشیـم که ابعاد فضاحت آن در حافظه شهر وحتی کشور برای همیشه باقی بماند؟ به بیان دیگر ، چه وقت این پدیده ناهنجار را به عنوان خطر جدی و معضل فراگیر قلمداد کرده و چاره ای خواهند اندیشید ؟!پرواضح است که پرسش های بالا و بسیاری دیگر پاسخ عملی درخوری را می طلبد،بنابراین هرگونه سلب مسئولیت و فرافکنی،دور شدن از مسیر اصلاح امور بوده و سرپوش گذاشتن بر این حجم مشکلات برجای مانده ، چیزی جز « کم انگاری «شعور مخاطب نخواهد بود!

بگذاریـد رویایی در زندگی مـردم این شهر جاری شود ، رویایی که با پشـتکار و تصمیم هـای هنرمندانه و بزرگ ، آرمان شهری ساخته شودآرمان شهری که در آن ، یک یک شهروندان ، طعم حقیقی یک زندگی شیرین را دریابند ، و زندگی برکام شان گوارا تر گردد، زندگی یی که در آن نفس کشیدن ممکن شود، امید و میل به زندگی جای اضطراب و نومیدی را بگیردو شهر سرشار از مهربانی ولبخند شود!تحقق چنین رویای به ظاهر شگفت انگیزی ناممکن نیست، به امید آن روز!

تخلیه فاضلاب خام کشتارگاه طیور کلاجان سادات را تعطیل کرد

مدیـرکل حفاظت محیط زیست گلستـان با تایید این که فاضلاب خام کشـتارگاه طیور دوباره به دو استخـر در روستای کلاجان سـادات هدایت شده است، گفت: این موضوع باعث شد کشتارگاه یکبار دیگر تعطیل شود. امیر عبـدوس در گفتگو با مهر اظهار کرد: اوایل اردیبهشت ماه تخلیه فاضلاب خام کشـتارگاه طیور به دو استخر در محدوده روستای کلاجان سادات باعث تعطیلی این کشتارگاه شد و قرار شـد در یک فرصت ۱۰ روزه تخلیه فاضلاب خام را متوقف کنـد. وی با یادآوری این که به این کشـتارگاه برای حل دائمی تاسیسات تصفیه خانه دو ماه فرصت داده بودیم، افزود: کشـتارگاه در این مدت کشتارگاه، تصفیه خانه را اصلاح کرده و تخلیه فاضلاب خام بـه استخرها متوقف شده بود و روز پنج شنبه گذشتـه کارشناسان محیط زیست بازدید داشتند و توقف تخلیه فاضلاب خام را تایید کردند. مدیـرکل حفاظت محیط زیست گلستـان با اشاره به این کـه حوضچه جدید هـم در این فاصله در کشتارگاه ایجاد شده بود، ادامه داد: به دلیل آبگیری بیش از حد حوضچه قبلی، دیواره ها تخریب شده و فاضلاب به بخش جدید تخلیه می شود و سیستم تصفیه بهم می ریزد. عبدوس تصریح کرد: با توجه به این موضوع هفته گذشته همکاران محیط زیست دوباره به منطقه اعزام شدند و کشتارگاه تعطیل شد. وی اضافه کرد: دو شرط برای بازگشایی کشتارگاه در نظـر گرفتیم یا این که تخریبی را که انجام شده مجـدد درست شود و یـا این که لوله هایی که آب را از کشتارگاه فاضلاب به استخرهای خارج از آن هدایت می کند، جمع آوری کند. مدیرکل حفاظت محیط زیسـت گلستان خاطرنشـان کـرد: ظاهرا کشتارگاه شرط دوم را پذیرفته است.

سهم کشاورزی کردکوی از تولید ناخالص داخلی بیشتر شود

معاون عمرانی استاندار گلستان گفت: سهم کشاورزی شهرسـتـان کردکوی از درآمـد تولید ناخالص داخلی به دلیل ظرفیت و توانایی هـای بالای زراعی و باغی این منطقه باید بیشـتر شود. به گزارش ایرنا به نقل از استانداری گلستان، میرمحمد غراوی در شورای اداری کردکوی اظهارکرد: کشاورزی از شاخصه های توسعه کردکوی است که توجه فراوان به این بخش در گذشته موجب نقش آفرینی بـالای آن در تولیدات گوناگون و افزایـش سهم شهرستان از درآمدهـای استان شده است. وی بیان کرد: در کنار توجه به کشاورزی و رفع موانع و محدودیت هـای این بخش باید تلاش شود با فعالیت‌های دیگر مانند صنعت، معدن، و تجارت و بازرگانی رشد تولید ناخالص داخلی شهرستان ارتقا یابد. معاون استاندار گلستان بر لزوم مصرف صحیح منابع و اعتبارات دولتی تاکید کرد و گفت: با توجه به شرایط کشور باید بهره‌مندی حداکثری از منابع و جلوگیری از اتلاف منابع در اولویت برنامه های دستگاه ها قرار گیرد. غراوی ادامه داد: با وجود برخی محدودیت ها و کمبود منابع؛ دولت با همه توان برای تامین نیازهای عمرانی و شتاب بخشی به حرکت قطار توسعه کشور تلاش و حمایت می کند. وی گفت: پارسال یکهزار و ۷۰ میلیارد ریـال از منابع ملی به شهرداری‌های گلستان پرداخت شد این مبلغ تا پایان سال با پیگیری استاندار به یکهزار و ۴۱۶ میلیارد ریال افزایش یافت و در مقایسه با سال قبل آن ۳۲ درصد رشد داشت. معاون عمرانی استاندار گلستان بیان کرد: اواخر خرداد ماه توزیع اعتبارات امسال در شهرسـتان ها آغاز می‌شود و برای استفاده بهینه از حداقل اعتبـار باید اجرای پروژه‌هـای اولویت دار در دستور کار قرار بگیرد. وی به معرفی شهردار کردکوی نیز اشاره کرد و گفت: پارسال درآمد سرانه هر شهروند کردکویی ۲میلیون و ۱۳۱هزار و ۳۴۰ ریال بود که انتظار می رود شهردار جدید این مبلغ را با اتکای بیشـتر به درآمدهای پایدار به ۳میلیون ریال برساند.

اهدای عضو در گلستان نیازمند فرهنگ سازی است

حدود ۶۰ درصد خانواده های گلستانی که بیمارشان دچار مرگ مغزی شده راضی به اهدای عضو بیمارخود نیستند و این درحالی است که روزانه ۱۰ بیمار نیازمند دریافت عضو، جـان خود را از دست می دهنـد. به گزارش مهر، اهدای عضو اهـدای زندگی است، این جمله ای است که بارها متن آن به چشممان خورده و شنیدنش برای گوش هایمان آشناست. اما زمانی که گردش روزگار، ما را در شرایطی قرار می دهد که مجبوریم اعضای بدن یکی از عزیزانمان را اهدا کنیم درک این واژه برایمان ملموس تر می شود. هرساله تعداد زیادی از بیمارانی که به نارسایی پیشرفته قلب و کبد مبتلاهستند و تنها راه نجاتشان پیوند عضو بوده به دلیل نبود عضوی برای پیوند جان خود را از دست می دهند. این در حالی است که اعضای سالم بیشتر افراد مرگ مغزی شده کـه می تواند نجات بخش زندگی یک خانواده باشد زیر خاک دفن می شود. دکتر علی اکبر ولایتی، رئیس بیمارستان مسیح دانشوری در نشست خبری با عنوان اهدای عضو اهدای زندگی اعلام کرد: روزانه ۱۰ بیمار منتظر پیوند عضو به دلیل نبود عضوی برای پیوند جان خود را از دست می دهند و همچنین روزانه ۱۴ نفر به لیست افراد در انتظار پیوند عضو اضافه می شود . با مسئـول واحد فرآوری اعضای پیوندی دانشگاه علوم پزشکی گلستان گفتگو کردیم و شرایط اهدای عضو در استان گلستان را جویا شدیم. زهرا شرکت در رابطه با آمار افرادی که طی سال های گذشته بر اثـر مرگ مغزی جان خـود را از دست داده اند و اعضای بدنشان با رضایت خانواده هایشان اهدا شده است، گفت: از سال ۸۷ که فعالیت برای اهدای عضو در استان به شکل رسمی آغـاز شـده است تاکنون اعضـای بیش از ۶۰ فرد مـرگ مغزی شـده با رضایت خانواده هایشان اهدا شده است. وی با بیان اینکه در استان گلستـان خانواده ۶۰ درصـد از افـراد مرگ مغزی شده که شرایط اهدای عضو دارند، راضی به اهدای عضو نمی شوند، افزود: درصد بسیار کمی از این خانواده ها هستند که زمانی که حال بیمار خود را رو به وخامت می بینند با مراجعه به ما شرایط اهدای عضو را جویا می شوند.

۷۰ درصد اهدا کنندگان عضو مرد هستند

مسئول واحد فـرآوری اعضای پیوندی دانشـگاه علوم پزشکی گلستان، تصادف، ضربه به سر و خون ریزی های مغزی را مهمترین عوامل مرگ مغزی در گلستان نام برد و افزود: اگر بخواهیم از نظر جنسیتی آمار اهدای عضو ها را بررسی کنیم حدود ۳۰ درصد اهدای عضو شدگان را بانوان و ۷۰ درصد را آقایان تشکیل می دهنـد. شرکت در رابطه بـا اقداماتی کـه در راستای افزایش فرهنگ سازی اهدای عضو انجـام داده اند، اظهار کرد: بیشترین فعالیت ما در زمینه صدور کـارت اهدای عضو بـوده و تلاش کردیم از طریق رسانه های جمعی مانـند صدا و سیما و شرکت در همایش ها و گردهمایی های بزرگ این کار خداپسندانه را تبلیغ کنیم. وی گفت: در زمینه فرهنگ سازی اهدای عضو؛ رسانه ها، سازمان های همسو با دانشـگاه علوم پزشکی مانند هلال احمر، سمن ها، مجمع روحانیـت و سازمان تبلیغات اسلامی بیشترین کار را می توانند انجام دهند تا بستر این فرنگ سازی فراهم شود. مدیرکل تبلیغات اسلامی گلستان در رابطه با اهمیت ترویج فرهنگ اهداء عضو، اظهار کرد: بر اساس آنچه در قرآن و سوره مائده آمده است اگر کسی به یک نفر جان و حیات ببخشـد مثـل این است که به همه انسان ها جان بخشیده و آن ها را نجات داده و این یعنی نجات دادن یک نفر به اندازه نجات دادن همه انسان هـا اجر و پاداش دارد. حجت الاسـلام نورالله ولی نژاد افزود: امروزه پیشرفت های علمی به جایی رسیده است که پزشکان توانایی تشـخیص مرگ مغزی بیماران را به دست آورده اند و از سوی دیگر می توانند تشخیص دهند بیماری دیگر می تواند با دریافت عضوحیات و سلامتی خود را به دست آورد. حجت الاسلام ولی نژاد ادامه داد: با نظر مراجع تقلید عمل اهدای عضو شرعا مجاز است و کـار خوبی است پس لازم است فرهنگ سازی هایی در این زمینه انجام شود تا خانواده افرادی که مرگ مغزی شده اند و پزشک مرگ بیمارشان را حتمی و بازگشتش را به زندگی محال می داند اجازه اهدای عضو عزیزشان را صادر کننـد. وی تصریح کرد: عمل اهدای عضو کار شایسـته ای است که اگر خانواده های افراد مرگ مغزی شده به آن رضایت دهند هم جان انسان دیگری را نجات داده و او را به زندگی برگردانده اند و هم پاداش معنوی و ثوابی ماندگار برای عزیز فوت شده خود در پیشـگاه خداونـد رقم زده اند. مدیرکل تبلیغات اسلامی گلستان گفت: زمانی که دین موضوعی را تایید می کند، علما و مراجع تقلید هم آن را مجاز دانسته اند و عقل حکم می کند انسان از دست رفته باز نمی گردد و کار دیگه ای از انسان ساخته نیسـت خانواده ها صبوری به خرج دهند و خویشـتن داری کنند تا با اهدای عضو بیمارشان جان زندگی افرا دیگری را نجات دهند.

آگهی‌های ثبتی

آگهی تحدید حدود اختصاصی

بدینوسیله اعلام می گردد به استناد ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف، تحدید حدود ششـدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شـده است، دارای پلاک ۵۲۴ فرعی از ۱۲۵ اصلی بخش ۲ ثبت گرگان واقع در اراضی تاریکی به مساحت ۸۷/۷۶ مترمربع ملکی آقای حسن استادرحیمی فرزند محمدرضا ساعت ۹ صبح روز پنجشنبه مورخ ۱۳۹۷/۳/۳۱ در محل وقوع ملک واقع در گرگان ـ میدان باهنر ـ کوی عرفان ـ عرفان سوم بعمل خواهد آمد. از این رو چنانچه مجاور یا هر شخصی نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی در ملک مذکور حقی برای خود قائل است می تواند ظرف سی روز از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا با ذکر شماره پلاک به اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان تسلیم و علاوه بر آن ظرف یک ماه از تاریخ تقدیم اعتراض به اداره ثبت، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم و رسید آنرا ارائه نماید. در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می تواند بدادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود.
علی برقی ـ رییس ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان ـ ۱۴۴۱ م الف

نسخه اینترنتی
روزنامه گلشن‌مهر
www.golshanemehr.ir

اندراحوالات انتصاب افراد نامجرب در مسندهای فرهنگی گلستان

کاش این بار برود میخ آهنی در سنگ!

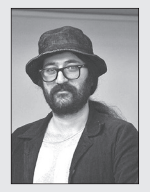

سهند آدم‌عارف-از آن داستان قدیمی گماشتن انسان‌های بزرگ بر مصادر کوچک و بالعکس که بگذریم و قیاس مع‌الفارقش بدانیم، انتصاب سرپرست رییس انجمن سینمای جوان استان گلستان که به‌تازگی از سوی مدیرکل محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی استان گلستان صورت گرفته است، از مصادیق بارز جدی نگرفتن و نگاه تشریفاتی به حوزه فرهنگ است که در این مرز و بوم تبدیل به یک عادت بالینی برای مدیران شده است. این عادت نه تنها در شهرستان‌ها و استان‌ها که متاسفانه مبتلابه مرکز نیز هست. این‌که در هیئت‌های دولت و وزارت‌خانه‌های مختلف و حتی در مجلس شورای اسلامی که قاعدتا باید در راس امور باشد معمول است آن‌ها که سهمی از مدیریت‌ها و کمیسیون‌های حساس و سرنوشت‌ساز (بخوانید انسان‌ساز!) نصیبشان نشده و اصطلاحا برای این‌که سرشان بی‌کلاه نمانده و بالادستی‌شان در معذوریت نیفتاده باشند، سمت و پستی در بخش فرهنگ و یا اگر سربه‌زیرتر باشند هنر، برایشان دست‌وپا می‌کنند؛ تازه اگر شانس آورده باشیم و سمتی از قبیل مشاور و معاون برایشان نتراشیده باشند. این نگاه فارغ از تخصص و تسلط، باعث دو زیان بزرگ می‌شود. نخستین زیان از قضا متوجه خود فردی است که در مصدر آن کار فرهنگی قرار می‌گیرد به این معنا که حتی اگر مدیر لایقی در بخش‌های دیگر هم باشد، به‌دلیل کم‌اطلاعی از فضای بخش موصوف و شناخت نداشتن به افراد فعال در آن حوزه و همچنین عدم ارتباط بیرونی با فعالان ملی و یا حتی بین‌المللی آن رشته هنری و در نتیجه محدودیت نظر، بلافاصله حجم نارضایتی از مدیریت شخص مذکور بالا گرفته و مدیر بالادستی مجبور به تغییر یا دست‌کم تقویت و اعمال نظر شخصی و صرف هزینه‌های بیشتر در حوزه مورد نظر می‌شود. زیان و آسیب دوم که اتفاقا آسیب جدی‌تری هم هست، به‌طور مشخص متوجه بخش‌های مظلوم فرهنگ و هنر است؛ خاصه آن‌که بخش فرهنگ و هنر در استان‌ها و شهرستان‌ها حتی از مرکز هم مظلوم‌تر و تو سری‌خورده‌تر است. شاهد مثال و مصداق بارزش هم تفاوت آشکار و فاصله کهکشانی مرزهای ممیزی در مرکز و ممیزی در مراکز استان و شهرستان‌هاست. همان فرم‌ها و محتواهای هنری که ممکن است برای یک هنرمند در شهرستان‌ها و حتی مراکز استان محرومیت، ممنوع‌الکاری و توبیخ به‌دنبال داشته باشد، در تهران پدیده‌هایی معمول، جاری و ساری هستند که حتی هنرمندان ممکن است به‌خاطر آن‌ها جایزه هم گرفته باشند؛ خارج از مصداق تنها علت بروز چنین معضل‌هایی می‌تواند گماشتن مدیران نامطلع یا حداقل کم‌اطلاع و در نتیجه ناکارامدی باشد که به‌عنوان مثال حتی یک بار از نزدیک فضای جشنواره فیلم فجر را از نزدیک و به‌عنوان دست‌اندرکار تجربه نکرده اما می‌خواهد مدیریت سینمایی یک استان را به‌عهده بگیرد یا فردی که حتی یک جشنواره تئاتر بین‌المللی در خارج از مرزهای ایران همچون «اوینیون» و... را سیاحت نکرده که هیچ حتی تا پیش از آن فضای تئاتر را از نزدیک لمس نکرده را به‌عنوان دبیر جشنواره بین‌المللی تئاتر ایران معرفی می‌کنند. طبیعی است که مدیر موصوف هیچ تصویر واقع‌گرایانه و درستی از برگزاری یک جشنواره، خط‌قرمزها، بایدها و نبایدها و اداره امور اجرایی حوزه تحت مدیریتش نخواهد داشت و به این دلیل ساده که مدیریت صرفا با تخیل و تفسیر امکان‌پذیر نمی‌شود و در این مسیر به تجربه و تخصص نیاز هست، اعمال سلیقه‌های غیرتخصصی فراگیر شده و رسم‌های زیان‌بار تبدیل به عرف‌های تغییر ناپذیر می‌شوند، بوروکراسی‌های غیر لازم و دست‌وپاگیر وضع می‌شوند، دست‌وپای هنرمند روزبه‌روز بسته‌تر از قبل می‌شود، نقد بی اجر می‌شود و تنها افراد مجیزگو و تهی از فهم و شناخت فرهنگی و هنری امکان دستیابی به امکانات و بهره‌مندی‌های دولتی را پیدا می‌کنند و در نتیجه می‌شود آن‌چه اکنون هست و در ادوار گذشته نیز رواج داشته است. به‌هر حال به‌مصداق ضرب‌المثل نرود میخ آهنی در سنگ، رسالت روزنامه‌نگاری ایجاب می‌کند این‌ها را در هر دوره‌ای بگوییم و در دوره‌های بعد نیز تکرار به‌فتح تاء کنیم! در حالی‌که در مقابل سنت بوروکراتیک و دیوان‌سالاری ناکارامد مدیریت دولتی در ایران هم ایجاب می‌کند که همه این سخنان را یک‌کاسه ناشنیده و نادیده بگیرند، بگذارند، بگذرند و سرانجام هیچ‌ترتیب‌اثری‌ندهند.

برای شیرین شدن کام در پایان این مطلب هم مطایبه‌ای که یک روز از زبان فرهاد توحیدی؛ فیلمنامه‌نویس مجرب سینمای ایران شنیدم را بازگو می‌کنم که خیلی هم بی‌ربط به موضوع نیست؛ می‌گفت بیمار که می‌شوی باید به پزشک مراجعه کنی، پرسیدم چرا؟ پاسخ داد برای اینکه پزشکان باید زندگی کنند. ادامه داد وقتی پزشک می‌روی و برایت دارو می‌نویسد حتما داروها را از داروساز بخر؛ پرسیدم چرا؟ پاسخ داد چون داروسازها هم باید زندگی کنند. در پایان گفت داروها را از داروساز که خریدی همه را بینداز دور. باز هم پرسیدم چرا؟ پاسخ داد چون توهم بایدزندگی‌کنی!

چهره لباس در قاب شهر

هوم بزی- لباس و پوشش تا اندازه زیادی جهتگیری‌های فردی، هویتی، اجتماعی، طبقاتی و به‌طور کلی جامعه را بازنمایی می‌کند. همچنین پاسخ مثبت یا منفی به معیارهای سلبی و ایجابی موقعیت‌های اجتماعی را نیز نشان می‌دهد. در سطح خرد و ارتباطات میان‌فردی، فرم لباس و چیدمان رنگی آن در تصویر اجتماع، به القای حالت‌های روحی، رفتاری و احساسی در جهت شکل‌گرفتن ارتباطی آسان و مشخص کمک می‌کند؛ لباس‌های افراد برای ارائه تعریفی از حالت فردی و هویتی و بازنمایی تعلقات فردی و اجتماعی‌شان به دیگران القا می‌شود. در این سطح انتخاب درست لباس و رنگ و بافت ترکیبی (چیدمان یا استایل) آن، پیش از اینکه مسائل فردی را بازگو کند، شرح‌دهنده نظم اجتماع است اما در نگاه فردگرا به دو عامل اساسی وابسته است؛ اول به وضعیت اقتصادی فرد و دوم از گذر اجتماع، شناخت و آگاهی فرد از هویت اکتسابی و نسبی‌اش، موقعیت اجتماعی و نمایی که قصد دارد از فرد به دیگری و از دیگری به فرد باز تولید کند. عامل دوم گسترش‌های بینارشته‌ای و شاخه‌های مرتبط و پراکنده زیادی را در ارتباط با دانش و زیبایی‌شناسی لازم در جهت انتخاب و مصرف لباس را داخل پرانتز می‌گذارد. در تمام این بررسی‌ها فرد به تعاریف و باید و نبایدهای تعریف شده و نشده از سمت جامعه نیز برخورد می‌کند که به میزان بی‌نظمی موجود در آن پاسخ می‌دهد و این پاسخ ناگزیر الکن است... زمانی مشکلات کارکردی، ارتباطی و بصری وابسته به پوشش به‌وجود می‌آید که افراد لباس‌هایی را بپوشند که معنای موردنظرشان را حمل نکند و همچنین با مکانی که برای پوشیدن لباس و مصرف نشانه‌ها انتخاب شده در تضاد باشد. برای مثال در خیابانی شلوغ در شهر تهران، پوشش‌هایی را مشاهده می‌کنیم که حامل نشانه‌های نقشی، متنوعند اما پوشش از حیث نقش اجتماعی تهی است. در این گذر نمی‌توانیم الگویی آماری از افرادی را بیابیم که بتوانیم آنها را با لباس‌هایشان در نقش‌های گوناگون اجتماعی که در ذهن داریم طبقه‌بندی کنیم. بخشی از این فعل و انفعالات به متمرکز نبـودن و نامتقارن بودن تخصیص فضای شهری به بنگاه‌های اقتصادی، خدماتـی، رفاهی و محیط پراکنده سکونـت و کار مرتبط می‌شود. مثلا تعداد زیادی بقالی پراکنـده در یک خیابان در کنار موسسه‌ای آموزشی، تعمیرگاه ماشین و... قرار دارد که تناسب فضای شهری و بی‌نظمی محیطی را برجسته می‌کند. در این صورت بی‌شخصیتی محیط‌های شهری باعث می‌شود که عامل تمرکز شخصیت‌پردازانه لباس از ظاهر افراد در اولویت انتخاب و پوشش قرار نگیرد. بنابراین در این وابستگی ایجابی بایست به لیست آلودگی های شهری، آلودگی بصری لباس را افزود...

نکته پیچیده تر بررسی لباس که به روحیه انسانی موثر می‌افتد، اضطراب مسائل شهری است که لباس‌ها با رنگ و فرم‌های آلوده و وابسته به وضعیت نامتناسب و بی‌نظم، با آن هم‌افزایی می‌کند. وضعیت بصری پوشش افراد در چهره شهر، معنایی که با لباس ها در منظر عمومی انتقال می‌دهند و فاصله میان افراد به‌همین واسطه و نیز بازنمایی نادرست نشانگان پوششی بر این اضطراب می‌افزاید. جنسیت‌زدگی لباس افراد و نشانگان تکمیلی آن در زبان بدن را می‌توان در ادامه آلودگی بصری و ارتباطی جامعه به‌واسطه پوشش در محیط و مناظر عمومی مشاهده کرد که « چقدر فرم و محتوا در تناقض با نگاه های قشری و اجتماعی رشد کرده اند؟» درواقع افراد حامل نشانه‌های جنسیتی در پوشش انتخابی‌شانند. روحیه جمعی از گذشته ایران تا امروز متناقض معاصر، لباس را ابزاری در خدمت تفکیک جنسیتی قرار داده و در ادامه نیز به شکل دیگری و در پاسخ به همان گفتمان و در جهت آزادی‌هـای الکن فردی باز هم جنسیت‌زدگی را در انتخاب لباس‌ها و چینششـان می‌بینیم. سوای گروه هایی خاص به‌طور کلی میان نسل جدیـد تمایل این نحو انتخاب لباس‌ها و اکسسوری‌ها را (در جهت بی‌جنسیت کردن) مشاهده می‌کنیم.

در شهـر تهران (به‌طور مثال) و در وضعیـت عمومی آن لباس‌هایی که عاری از نشان‌هایی برای مصرف یک گروه خاص به‌طور کلی و در مصرف افراد(زنـان و مردان با لحاظ سنین مختلف) برای ایجاد ارتباط پویاتر و خلاق تر یاری می‌کند، در بایگانی رفته است. به‌دلیل تمایـل استفاده افراد از طرح هـای خلاقه وارداتی و مازاد آن، مسئله طراحی لباس در ایران از تعامل با افکار ذوقی جامعه عقب نشسته و بـا وضعیت حاکم بر این مقوله، شکل دیگری از اجبار و واردات در نمای سنتی آن اعمال می‌شود که جای خلاقیت را به تقلید و پیروی سپرده است. در وضعیت شاید رو به مدرن ایران، مسئله طراحی لباس با خواسته‌ها و نیروی کنترلی آن همخوان نیست و در ادامه این مسئله همچنان در تعلیق است.

به‌نظر می رسد افراد بیشتر در حال نه یا آری گفتن به گفتمان رسمی و ایجاد تفاوت‌های فردی در موقعیت های مصرف لباسند. در این میان هیجانزدگی‌ای خودشیفته‌وار از «نه» گفتن های مکرر بعضی افراد قابل مشاهده است که از شبکه‌های مجازی تا مهمانی‌ها و مجالس مختلف در حال هم‌افزایی است و کمتر از بطن زیبایی‌شناسی محتوای محیطی برساخته شده است. جامعه در حال گذار، کشف و ماجراجویی های فـردی پوشـش است که با در هم تنیده شـدن آن در ساختار جامعه، محتوای آن(جامعه) را مبهم و غیر قابل بررسی می‌گذارد.

بخشـی از ناهمخوانی استایل‌ها، رنگ‌ها و چیدمان لباس‌ها در محتوای محیطی به حـالات روانی، نقش و جایگاه اجتماعی، مجاری گسترش ذوق جامعـه و گزینه های موجود برای انتخـاب برمی‌گردد. میزان دانش مربوط به انتخاب پوشش(شامل ذوق و زیبایی‌شناسی، درک درسـت از نیازهای خـود در رابطه بـا اجتمـاع و...) نیز به شکل سیستماتیک در دسترس همگان نیست به این دلیل که این دانش در برداشت‌های ایدئولوژیک کنترل جامعه در پرانتز رفته است.

خروجی وضعیت بـد اقتصادی(چه برای تولید کننده و چه مصرف کننـده)، جامعه مصرف‌گرا که نیازهای بیشـتری را بر فرد و جامعه تحمیل می‌کند، فضای مجازی که فشار و کنترلی بیشتری را در جهت نهادینـه کردن نیازها و شیوه‌های جدید کسب هویت و دیده شدن و تقریبا با همان جهان‌بینی سنتی جامعه اعمال می‌کند، همچنین فاصله میان طراحان لباس و نیازهای جامعه ووو آشفتگی‌ای را بارور می‌کند که در پوشش افراد نمایان می‌شود. درواقع افراد از میان گزینه‌هایی که برای انتخاب لباس دارند دست به گزینش می‌زنند و دامنه انتخاب‌ها در حال کنترل مدام از سمت خود افراد، نهادهای رسمی و غیررسمی و وضعیت اقتصادی‌شان است. این وضعیت نشان می دهد که جامعه و افراد نیاز به معیارهای زیبایی‌شناسی جدید و برآمده از بطن رابطه فرد و جامعه و در تعامل با محتوای جامعه و مصرف دارند تا از مسیر آن خلاقیت‌های فردی، هویتی، ذهنی و روانی، اجتماعی و پوششی‌شان را بروز دهند و وارد تعاملی ذوقی با خود و جامعه شوند.

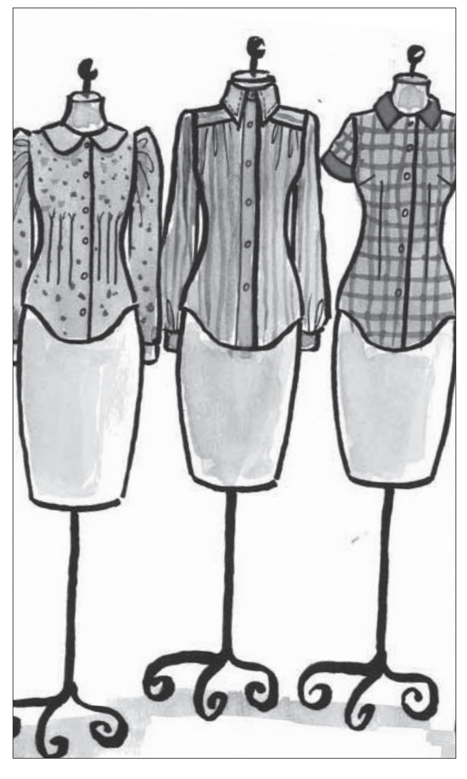

سینمای ایران در مصرف داخلی

حامد مصطفوی

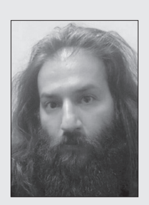

* کمتر کسی خاطره ای از جلسه ای را در ارگان ها و نهاد های دولتی نقل کرده که در پی نظریه پردازی سینمایی در سینمای زبان فارسی باشد. کسانی بودند که می توانستند گپ نظری در سینمای زبان فارسی را راه بیاندازند و سینما را همچون آثار هنری از تجربه به برند برسانند؛ اما مدیران کلان سینمایی از زاویه آنها و از زبـان آنها هرگز ورود به مسئله نکردند و بودند مدیرانی که متوجه سخن ایشان در خفا می شدند اما مدل هدایت بیرونی سینما از سینمای زبان و روان فارسی، جز سینما و ویترین سلبریتی هایش چیز دیگری به جا نگذاشته است. حالا که زمان سپری شـده تهی شدگی درون سازمانی و محتوای متـن آن آشکار شده و در این فرآیند که ارتباطی با جریان فیلم فارسی ندارد اپیزودی منقطع از نگاه و نیاز جامعه شکل گرفته است. سینمای ایران چه کاری انجام می دهد؟ ..از نحوه به عمل رسیدنش مشخص می شود. حالا بگردیم ببینیم چگونه به عمل می آید.

* سینمایی که زوایای بطنی روان- فرد- اجتماع جامعه را در بسیاری حدود در قاب ندارد، محتوای مخاطب را درون خَودش تهی می کند و جامعه نیز بخش های پر محتوای سینما را در خوانش تهی می کند و چیزی که صراحتا کار نمی کند محتوای محصول است. سینما دار و سینماگر و مخاطب در قانون مشترک مشخصی با هم گفتگو نمی کنند از این جهت است که سینما نیز تا بخشی و تا حدودی در خارج از جامعه و حدودی اندک در جامعه به صورت انعکاسی کار می کند.

* سینما که به میزان جمعیت و حدود جغرافیایی ایران تعریف نشده است؛ تا کجای جغرافیای ایران کار می کند؟ مکانیزمش هر چه هست به تهران که می رسد از پراکندگی به تمرکز می رسد. سینمای ایران در بهترین شرایط از تهران به ایران جغرافیایی منتشر می شود یا عمود می افتد. تا حدود زیادی همه چیز سینمای ایران در تهران تجمیع شده و در نتیجه سینمای ایران به لحاظ جغرافیایی نیز کار نمی کند.

* عوامل تولید کننده خاصه سینما به دلیل مسایل اقتصادی از هم پاشیده اند و کار نمی کنند و این مسئله غالب است. یعنی تا بخش زیادی حدودی، سینما روی عواملش از منظر نقش و جایگاه کار نمی کند. به همین نحو است که آرتیست معامله می شود و هر هنرجویی که کمتر از هنرمند پول گرفت جایگاهش را بدست می آورد و جایگاه که همراه با ارزش هنری است با کم ارزشی بدست می آید.

* منتقدان خوب، بد، زشت نویس ارزشی معنای نقد و کارکردش را در شکل رسمی تغییر داده اند. پول می گیرند و در ثنای فیلم می نویسند یا تیر خلاص می زنند و روابط عمومی فیلم می شوند. نقد کار می کند اما به این شکل؛ از قاب جدی اش خارج و ژورنالیسم مصرفی فیلم ها شده است، اما در جامعه در جایگاهی که ادعا می کند کار نمی کند. منتقدان پیرو و پاداش دهنده یا ارزش گذاران دهر در کنار گفتگو های لاکچری با عوامل سینما، برای مخاطب عمومی در یک عرض قرار گرفته اند؛ همه به دنبال مخاطب عمومی از حاشیه سینما (به عنوان محصول معنابخش) هستند.

این نوع از متون مصرف گرای هویت ساز فاقد ارزش اجتماعی- انسانی سینمایی، مخاطب عمومی را در سینما تبدیَل به دیگری کرده و او پول می دهـد تا از دور ویترینی که با این جنس گفتمان های فاقد ارزش درونی سینمایی انباشت شده را در سینما تصور کند.

* سالها منتقدان دهر وابسته، در سینما می گفتند که سینما زبان جهانی دارد اما تا حدود زیادی سینمای ایران با تبعیض در جغرافیای مرزی ایران فعالیت نمی کند. باید سینمای ایران را از سینمای جهان جدا کنیم تا مقابل چشم مان را ببینیم.

*سینمای ایران با نیازهـای حاد جامعه چه کاری می کند؟ هنگامی که سیل و زلزله و حوادث ملی چه و چه نازل می شود سینمای ایران قابی در آنجا ندارد. سوژه سینمای ایران کجاست؟ جامعه کجاست؟ سوژه نزد سلبریتی ها تبدیل به لحن آرامی شده که از شرایط سلبریتی در فیلم فراتر نمی رود. برای زیارتش به سینما رجوع می کنند. چیزی که در حال حاضر تـا حدودی به نام ویترین سینما به ذهن می آید سینما-سلبریتی است؛ بدون نام. سلبریتی ها در گذار تشکیل سینمای سیاست زده فعلی زیر بنای آن(اقتصـاد) را شکل داده اند و همان ها سرشار می شوند از شخصیت پردازی سینما (در رو بنا). آنها رو بنا و زیر بنای سینما شده اند؛ هر چند که سینما از بازتاب جامعه خوانش می گیرد. این بازتاب در مکانیزم تشکیلاتی سینما به صورت فعال کار و گفتگو ندارد.

* رابطه محتوایی میان مصرف کننده محصول فرهنگی، تولید کننده فرهنگی، محصـول فرهنگی و اسپانسر فرهنگـی رابطه هم پوشان فرهنگی نیست

* رابطه زبانی تشکیلات تولید به مصرف سینما شفاف و روشن نیست. قاعده ای به شکل عام از ورود به این عرصه تا ارائه محصول حاکم نیست. شاید تا حدودی این محصول، محصول فرهنگی نیست که نحوه به عمل آمدنش از جنس بازار است. تولید فیلم در رابطه محتوایی مدیریت تولید و مکانیزم کلی سینما محصول تزئینی ست. محصول تزئینی تا حدودی جز در سالن سینما کار نمی کند. سینمادار نیز جز در این چرخه کار نمی کند.

* مخاطـب عمومی از روان سینما بیرون است. مخاطب عمومی که در چرخش است با فراخوان فیلم به قصد دیدن فیلم به سینما نمی رود، به قصد رفتن به سینما، با فرهنگی خاص به سینما می رود. این در صورتی ست که مدیریت سینما نا توان از جنجال های خبری سینما را در رکود قرار دهد. اما هر لحظه معنای اخبار جنجالی نزد مخاطب عمومی تغییر می کند. در این وضعیت ناپایدار سلبریتی های آن ور ویترین، طرفداران خود را به گیشه می آورند. مخاطب قولا عمومی برای ملاقات با سلبریتی های آرزوهایش به سینما می رود. این موقعیت به شکل طبیعی بین مخاطب و سینما(که مخاطب بیرون آن است) شکل گرفته است و اگر این وضعیت نیاز به نقد داشت، از بنیان های آموزش سینما تا به این مرحله از مصادره، جای جای نقد دارد.

*فیلم محصولی معنابخش، هویت زا، سیاست زا، معرفت زا، اطلاعات ده، پیوند دهنده و تولید کننده رابطه بین افکار و گروه های اجتماعی و سیاسی، و و است... سینمای ایران از چه منابعی از جامعه سرچشمه می گیرد و در کجای جامعه کار می کند؟

* تشـکیلات سینما با خیل عوامل تولید و ورودی های باز آن(بستگی آن) از دانشـگاه، آموزشگاه، انجمن سینمای جوان، حوزه های هنری و چه و چه و بسیاری جا مانده پشـت سینما، چگونه مدیریت و تنظیم می شود؟ متاسفانه تمامی این جنس سوال ها زمانی مطرح می شود که سینما-سلبریتی ایران شکل گرفته و در سالن سینما مستقر شده است. دیگر فرقی نمی کند چه کسی مدیریت کند. سینما-سلبریتی مکانیزم خودش را دارد، مدیریت سینمایی از بیرون به این سینما اعمال می شود و در مدیریت این نوع از سینما قدرت جسمانی بیشتر به کار می آید تا قدرت فکری...

تازه های کتاب

در بی کرانگی
جستارهایی در نقد شعر امروز
پژمان قانون
شمس آقاجانی
علی باباچاهی
ابوالفضل پاشا
پروین سلاجقه
لیلا صادقی
علی عبدالرضایی
مهرداد فلاح
لیلی گله‌داران
صدای ادبیات مستقل

بتازگی کتابی از شاعر و منتقد ادبی خوش فکر ایرانـی، پژمان قانون، به نام «در بی کرانگی» با موضـوع نقد و بررسی شعر امـروز از سوی انتشارات هشت و در ۲۸۷ صفحه و شمارگان ۵۰۰ نسخـه به چـاپ رسیده اسـت. پژمان قانـون در این کتاب اشعار نـه تن از شاعران پیشرو فارسی، که عموما شاعران تاثیرگذاری نیـز بوده اند، مـورد واکاوی و نقد قـرار داده است. کتاب در بی کرانگی از یک پیش‌گفتار و نه مقاله انتقادی تشکیل شده و تحلیل ها و بررسی های موجود در آن به صورتی باریک اندیشانه، روشمند و همراه با مستندات تئوریک ارایه شده است. چنین بنظر می رسد که وی به خوبی توانسته از کلیشه های رایج در نقد ادبی ژورنالیستی و فارغ از متدهای علمی عبور کند. گفتنی است پیش از ایـن از پژمان قانون سه مجموعه شعـر در سال های ۸۷ ، ۹۳ و ۹۶ به چاپ رسیده است.

یادداشت

خوانشی کوتاه از یک شعر مظاهر شهامت

فرزادامیراحمدی

من که برده واژه ها نبودم
بایستم‌کنارشان
صبر کنم عصر بشود
تا حلق آویـز شوم از سایه بلندشان
مردم جمع شوند
توبیایی سلانه
و بگویی :
دهانش بوی جمله می داد از اول
با خونمردگی در رگ های بلند
اگر نه
این واژه ها که هووی من نبودند که
به نیش آفتاب نفرین شان کنم ...
بگویی و بروی باز هم سلانه
و مردم کمی بروند
کمی بمانند تفی کنند و بروند
کمی بمانند سنگم بزنند و بروند
و کمی ...
همسر زمین شده ام
آسمان را
کنار نکشید از روی ما
که این پاییز محزون
بارانی سرد آورده است به استخوان !

شعر با یک گزاره خبـری آغاز می شود و به خود برمی گردد. ارجاع خبر به ضمیر مولف، این خبر سرآغاز یک جنبش زبان تصویر است چون سرآغاز رفتار زبان از جنس همین زبان است؛ اما کنـار واژه ایستـادن دچار برخورد غریب شدن می شود و پارودی آغاز می گردد. یک کنایه که پررنگ تر می شود با :صبر کنم عصر شود تا حلق آویز بشوم از سایه بلندشان... عصر شدن با سایه پیوند منطقی دارد تا طولانی ترین اتفاق مرگ شکل بگیرد (در زبان با زبان در واژه با واژه) روایت بیشتر پر رنگ می شود یک نمایش خیابانی در حال شکل گیری است (مردم جمع می شونـد مولف حلاج نیست کمـی با واژه های زندگـی سر شوخی دارد اندکـی با درودهای سماقی رنگ طعم ترش گرفته به روی خودش نمی آورد) بعداز جمع شدن، کاراکتر هـا از من به تومی رسد توی مخاطب یا توی غایـب وحاضر دیالوگ از منظر دراماتیک شکل می گیرد، اما من ناتمام مولف به تو می گویـد: از زبان من، این من همان توسـت این تو همان من است اینجا از دیالوگ بـه گفتمان می رسیم من در یک دایره ی وسیع تر تـودر یک دایره ی وسیع تر حـول یک دایره توپر؛ بـوی جمله دادن آشنایی هـا را دور نا آشناها را نزدیک انگار یک سوپر ریالیست است، طبیعی است جمله بو ندارد اما اینجا عنصر حقیقت مانندی شبیه بـودادن است چیزی بیـن فریاد گس و طعم تفت واژه انگار شعر با زبان وزمان مشـکل دارد ارجـاع تمام لیته ها وگزاره ها در خود شعر به شعر است حول زبان، زمان... شوخی ودرد نیش آفتاب و بوی جمله؛ تصویر های دیداری هستند در تصـور خیال انگار یک مـرگ اتفاق افتاده با کمی تف یک سکانس از یـک اتفـاق تکراری که زندگـی است.. صـدای لورکا در ساعت مقرر عصر شعر با پیوندهای ظریف با هم یک انسجام را ازیک اتفاق به یـک امپرسیونیسم گذرا بدل کرده اینجا حاد واقعی ها شبیه سایه هستند و شعر می لغزد در فراوانی مدلول ها...این استخوان یعنی گذشته، یعنی سگ کشی، سایه کشی یعنی... اساسا یعنی اباطیل مکرر است زیبایی شناسی لذت در اندیشه های ژرف از هجایی به جنس هجویی عمیق